

متن حدیث عنوان بصری

روایت عنوان بصری یکی از دستور العمل‌های بسیار مهم وجود مقدس امام صادق علیه السلام است که در بردارنده نکاتی نغز و بدیع در تهذیب نفس است که جهت استفاده تمامی پیروان مکتب نورانی ائمه دین صادر فرموده‌اند. و بسیاری از عرفا، علما و بزرگان اخلاق اهتمام خاصی به این روایت شریف داشته‌اند، از جمله مرحوم آیت الله سید علی قاضی طباطبایی قدس سره به ارادتمندان و شاگردان خود دستور می‌دادند که آن را بنویسند و عمل کنند و کراراً می‌فرمودند:

«باید آن را در جیب خود داشته باشید و هفته‌ای یکی دو بار آن را مطالعه کنید.»
و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی‌پذیرفتند.

أَقُولُ وَجَدْتُ بِحَظِّ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ مَا هَذَا لَفْظُهُ:
 قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ نَقَلْتُ مِنْ حَظِّ الشَّيْخِ أَحْمَدَ الْفَرَاهَانِيِّ
 رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عُنْوَانِ الْبَصْرِيِّ وَكَانَ شَيْخاً كَبِيراً قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً
 قَالَ كُنْتُ أَحْتَلِفُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ فَلَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَدِينَةَ
 احْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَ أَحَبَبْتُ أَنْ أَخْذَ عَنْهُ كَمَا أَحَدْتُ عَنْ مَالِكٍ فَقَالَ لِي يَوْمًا إِنِّي رَجُلٌ
 مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْزَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ آتَاءِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ
 وَرْدِي وَ خُذْ عَنْ مَالِكٍ وَ احْتَلِفْ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَحْتَلِفُ إِلَيْهِ فَاعْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ
 خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ تَفَرَّسَ فِيَّ خَيْراً لَمَا رَجَرَنِي عَنِ الْإِحْتِلَافِ
 إِلَيْهِ وَ الْأَخْذِ عَنْهُ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْعَدِ إِلَى
 الرُّوْضَةِ وَ صَلَّيْتُ فِيهَا رُكْعَتَيْنِ وَ قُلْتُ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ
 جَعْفَرٍ وَ تَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ وَ رَجَعْتُ إِلَى دَارِي
 مُعْتَمِئاً وَ لَمْ أَحْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَمَا خَرَجْتُ
 مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى عَيْلَ صَبْرِي فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِي تَنَعَّلْتُ وَ
 تَرَدَّدْتُ وَ قَصَدْتُ جَعْفَرًا وَ كَانَ بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ فَلَمَّا حَضَرْتُ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ
 عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ فَقَالَ مَا حَاجَتُكَ؟

فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ

فَقَالَ: هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَلَّاهُ

فَجَلَسْتُ بِحِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيرًا إِذْ خَرَجَ خَادِمٌ

فَقَالَ ادْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ

فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ

فَرَدَّ السَّلَامَ وَ قَالَ: اجْلِسْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ

فَجَلَسْتُ فَأَطْرَقَ مَلِيئاً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ

قَالَ: أَبُو مَنْ؟

قُلْتُ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

قَالَ: بَتَّ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَوَفَّقَكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا مَسَأَلْتُكَ؟

فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَالتَّسْلِيمِ غَيْرَ هَذَا الدُّعَاءِ
لَكَانَ كَثِيرًا

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: مَا مَسَأَلْتُكَ؟

فَقُلْتُ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يُعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَ يَرْزُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ وَ أَرْجُو
أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ

فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ
يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ

فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ
بِاسْتِعْمَالِهِ وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ يُفْهِمَكَ

قُلْتُ يَا شَرِيفُ

فَقَالَ: قُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ

قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ

أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ
مَلِكٌ يَرُونَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ
وَ لَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا

وَ جُمْلَةٌ اسْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَاةً عَنْهُ

فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقَ
فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَ إِذَا قَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى
مُدْبِرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ إِذَا اسْتَعْلَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى
وَ نَهَاةً لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَ الْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ

فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَ إِبْلِيسُ وَ الْخَلْقُ وَ
لَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَثُرًا وَ تَفَاخُرًا وَ لَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَ عُلْوًا
وَ لَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا

فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقَى

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ
عُلْوًا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِي

قَالَ أَوْصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ
تَعَالَى وَ اللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُوفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ

ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ

وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ

وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ

فَاخْفِظْهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّهَؤُونَ بِهَا

قَالَ عُنْوَانُ فَفَرَعْتُ قَلْبِي لَهُ

فَقَالَ أَمَّا اللّٰوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ

فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاقَةَ وَ الْبُهْلَةَ وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا

عِنْدَ الْجُوعِ وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمِّ اللَّهَ وَ اذْكُرْ حَدِيثَ

الرَّسُولِ ﷺ مَا مَلَأَ أَدْمِي وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ فَإِنْ كَانَ وَ لَا بُدَّ فَثَلْثُ

لِطَعَامِهِ وَ ثَلْثُ لِشَرَابِهِ وَ ثَلْثُ لِنَفْسِهِ

وَ أَمَّا اللّٰوَاتِي فِي الْحِلْمِ

فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْرًا

لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَ مَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَأَسْأَلُ

اللَّهِ أَنْ يَغْفِرَ لِي وَإِنْ كُنْتُ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ وَ
مَنْ وَعَدَكَ بِالْخَنَاءِ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَالرِّعَاءِ

وَأَمَّا اللّٰوَاتِي فِي الْعِلْمِ

فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْتَنَّا وَ تَجْرِبَةً وَ إِيَّاكَ
أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا وَ خُذْ بِالْإِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ
اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْرًا

فَمَنْ عَنِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عَلَيَّ وَرِدِي
فَإِنِّي أَمْرٌ وَضَنِينٌ بِنَفْسِي .

وَ السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى .

بحار الأنوار، ج ١، ص، ٢٢٥

ترجمه حدیث

می‌گویم: به خط استادمان؛ بهاء الدین عاملی شیخ بهاء قدس سره روایتی را با این مضمون یافتیم:

«شیخ شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) گفت: من از خط شیخ احمد فراهانی رحمه الله از عنوان بصری؛ که پیرمردی سالخورده بود و از عمرش نود و چهار سال می‌گذشت نقل می‌کنم که او گفت: من سالیانی به نزد مالک بن انس رفت و آمد می‌کردم، زمانی که جعفر صادق علیه السلام به مدینه آمدند به محضر ایشان شرفیاب شدم و دوست داشتم همان‌طوری که از مالک تحصیل علم کرده بودم از ایشان نیز کسب علم کنم.

روزی آن حضرت به من فرمودند: من مردی تحت نظرم. علاوه براین در هر ساعت از شبانه روز اذکاری دارم که به آنها مشغول هستم. پس مرا از عبادتم غافل نکن، و علومت را از سالک و راهنماییت (مالک بن انس) بگیر و مثل گذشته با او رفت و آمد کن. از این ماجرا غمگین شدم و از محضرشان مرخص شدم. با خودم گفتم: اگر در وجود من آثار خیر و هدایت به چشم حضرت می‌آمد، مرا از رفت و آمد و کسب علم از محضرشان منع نمی‌فرمودند.

بنابراین در مسیر خود داخل مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله شدم و به آن حضرت سلام دادم و بیرون آمدم. سپس فردای آن روز به روضه مبارکه (بین قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله) برگشتم و دو رکعت نماز خواندم و عرض کردم: خدایا!

پروردگارا! قلب جعفرعلیه السلام را نسبت به من مهربان و متمایل فرما و از علمش مقداری روزی من کن که به وسیله آن به راه راست تو هدایت شوم.

با همان حالت ناراحتی و اندوه به منزل برگشتم و چون دلم مالمال از محبت جعفر علیه السلام شده بود با مالک بن انس رفت و آمد نکردم و از خانه‌ام بجز برای نماز واجب خارج نشدم، تا این که صبرم تمام شد. (روزی) پس از اقامه نماز عصر سینه‌ام تنگ شد و طاقتم به سر آمد نعلینم را به پا کرده، ردایم را پوشیده و قصد دیدار جعفر صادق علیه السلام نمودم.

وقتی که به درب خانه آن حضرت رسیدم اجازه ورود خواستم. خادمی بیرون آمده و پرسید: چه می‌خواهی؟ گفتم: (آمده‌ام تا) به محضر شریف (امام صادق علیه السلام) عرض سلام کنم. گفت: او در محل نمازشان مشغول عبادت هستند.

مقابل درب خانه حضرت نشسته و کمی درنگ کردم که خادمی از خانه خارج شد و گفت: به برکتی که خدا نصیب تو کرده داخل شو.

وارد شده و بر آن حضرت سلام کردم. امام ضمن جواب سلام، فرمودند: بنشین، خداوند تو را بیامرزد. پس من نشستم.

حضرت مدتی به حال تفکر، سرشان را پایین انداختند، سپس سر بلند کرده و فرمودند: گنیه شما چیست؟ گفتم: ابا عبدالله. فرمودند: خداوند گنیه شما را ثابت گردانده و تو را موفق کند. ای ابا عبدالله، درخواستت چیست؟ (حضرت

باز سر خود را به زیر انداخت و منتظر جواب من شد) با خودم گفتم: اگر بهره من از این زیارت و عرض سلام فقط همین دعا باشد خیری بزرگ و زیاد است. باز حضرت سرشان را بلند کرده و فرمودند: چه می‌خواهی؟ عرضه داشتم: از خداوند خواستم که قلب شما را نسبت به من مهربان کند و از علم شما روزی‌ام فرماید. و امید دارم خداوند آنچه را که درباره وجود شریف شما خواسته‌ام اجابت فرماید.

حضرت فرمودند: ای اباعبدالله! علم به آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می‌گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می‌خواهی ابتدا باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند. عرض کردم: ای اباعبدالله! حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟

فرمودند: سه چیز است:

۱- اینکه بنده خدا در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگانِ ملکی ندارند (مالک حقیقی خداوند تبارک و تعالی است) و همه اموال را از آن خداوند می‌بینند. و آن را در جایی قرار می‌دهد (مصرف می‌کند) که خداوند امر فرموده است.

۲- بنده خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نمی‌کند(مصلحت و تدبیر واقعی را در دست خداوند می‌داند).

۳- تمام اشتغال او در کاری منحصر شود که خداوند او را به آن امر یا از آن نهی فرموده است.

پس اگر بنده خدا در آنچه که پروردگار به او سپرده است ملکیتی برای خودش نبیند، در این صورت انفاق کردن برایش در چیزی که خداوند امر فرموده است آسان می‌شود. و وقتی که تدبیر امورش را به مدبّرش بسپرد (و اهل توکل شود) تحمل مصیبت‌های دنیا برایش آسان می‌شود. و زمانی که به آنچه خداوند امر ونهی کرده است مشغول باشد دیگر فرصتی برای خودنمایی و فخرفروشی به مردم پیدا نمی‌کند.

پس وقتی که خداوند بنده را با این سه (خصلت) گرامی بفرماید دنیا و ابلیس و مردم در نظرش کوچک خواهند بود. و دیگر دنیا را برای زیاده خواهی و فخر و مباحات به مردم و برای عزّت و جاه طلبی آنچه را که نزد مردم است نمی‌خواهد و عمرش را به بیهودگی نمی‌گذرانند.

این اولین درجه تقوا است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آن سرای آخرت است که برای کسانی که در زمین قصد بلند پروازی ندارند و دنبال فساد نمی‌گردند، قرار دادیم و سرانجام نیک، برای مردم با تقوا است.

عرض کردم: ای اباعبدالله! به من توصیه‌ای بفرمایید.
فرمودند: تو را به نُه چیز وصیت می‌کنم که آنها توصیه من
به همه آرزومندان سیر و سلوک الی الله است.
از خداوند موفقیت تو را در عمل به آنها خواستارم. سه مورد
آن در ریاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و
بردباری و صبر است و سه امر دیگر آن در علم و دانش است.
پس این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسپار و مبادا در عمل
به آنها سستی کنی. عنوان بصری می‌گوید: من قلبم را (برای
فراگیری علم حضرت) آماده کردم. حضرت فرمودند:

اما آنچه که در ریاضت نفس است:

- ۱- مبادا چیزی را بخوری که به آن اشتها نداری چون موجب حماقت و نادانی می‌شود.
- ۲- و تا گرسنه نشدی چیزی نخور.
- ۳- زمانی که غذایی خوردی، با نام خدا و حلال باشد و حدیث رسول خدا را به یاد داشته باش که فرمودند:
آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکمش را پر نکرده است.
پس اگر ناچار شد غذا بخورد، یک سوم شکمش را برای طعام، و
یک سوم را برای آب و یک سوم را برای تنفس قرار دهد.

اما آن سه موردی که در حلم و بردباری است:

- ۱- اگر کسی به تو گفت که اگر یکی بگویی ده تا می‌شنوی. به او بگو: اگر ده تا بگویی سخنی هم نمی‌شنوی (عفت کلام داشته باش و از نزاع پرهیز).
- ۲- اگر کسی به تو دشنامی داد به او بگو: اگر راست می‌گویی از خداوند می‌خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را ببخشد.
- ۳- و اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد تو او را به خیر خواهی (نصحیت) و مراعاتش وعده بده.

و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است:

- ۱- آنچه را که نمی‌دانی از عالمان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردنشان سؤال کنی.
- ۲- مبادا بر اساس خود رأیی دست به کاری بزنی که علم نداری و در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را رها نکن.
- ۳- همان گونه که از شیر درنده فرار می‌کنی از فتوی دادن (فتوای بدون علم) پرهیز و گردن خود را پل عبور مردم نکن. ای ابا عبدالله! برخیز و برو که من برای تو خیر خواهی کردم. و ذکر من را خراب نکن چرا که من مردی هستم که بر گذشت عمرم دقت دارم و سلام برکسی که از هدایت پیروی می‌کند.